

بانک جامع اطلاعات

# صهیونیسم

اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود... امام خمینی (ره)

**Z I O N I S M . B L O G . I R**

## صهیونیسم مسیحی

نویسنده: یوگیندر سیکند

### چکیده:

سیکند در این مقاله به بررسی عقاید صهیونیسم مسیحی و اهداف و طرح‌های آن پرداخته است. او با بررسی کتاب آخرین سپیده دم در بیت المقدس، نوشته جان هاگی، نشان داده است که صهیونیسم مسیحی به دنبال جنگ‌های صلیبی و جنگ جهانی می‌باشد تا زمینه ظهور مجدد عیسی را فراهم آورد. در این کتاب، عقاید غلط و خرافی صهیونیسم مسیحی در مورد خدا، حضرت عیسی و همچنین یهودیان آورده شده است و سیکند با استناد به مطالب این کتاب، فرجام جهان را از دیدگاه صهیونیسم مسیحی بررسی کرده است.

### مقدمه

امروزه صهیونیسم مسیحی یکی از قوی‌ترین نیروها و مهم‌ترین بازیگران سیاست جهانی می‌باشد و این مطلب به وسیله صدها فرقه کوچک و کلیسا بیان شده است. صهیونیسم مسیحی انواع گوناگونی دارد که با هم تفاوت‌هایی جزئی دارند، ولی جوهر و اصل پیام آن در کل، حمایت از کشور اسرائیل و طرح امپریالیستی صهیونیسم می‌باشد. صهیونیست‌های مسیحی در کابینه بوش نفوذ بسیاری کرده‌اند. خود بوش نیز تا حدودی می‌تواند یک صهیونیست مسیحی باشد؛ چرا که سیاست‌هایش در خاورمیانه و مناطق دیگر، به روشنی بازتاب برنامه کار صهیونیسم مسیحی است و یا با آن مطابقت دارد.

جنگ، پیروزی و تسلط امپریالیستی، بر پایه اصرار بر حقانیت مطلق مسیحیت و همچنین اصرار بر برتری نژادی یهودیان، درست در دل صهیونیسم مسیحی قرار دارد. صهیونیست‌های مسیحی معتقدند که یهودیان «مردم برگزیده» خدا هستند و خدا این حق را به آنها داده است که نه تنها بر فلسطین بلکه بر منطقه‌ای گسترده‌تر، از مصر امروزی تا عراق، با عنوان «اسرائیل بزرگ» تسلط داشته باشند. آنها می‌گویند که خدا یهودیان را برتر از همه مردم آفریده است. از این رو بر این مطلب تاکید می‌کنند: آنان که با طرح امپریالیستی حمایت از اسرائیل بزرگ و یا با تصرف فلسطین توسط صهیونیست‌ها مخالفت می‌کنند، «دشمنان خدا» هستند و لایق آن هستند که به هر وسیله ممکن، از جمله حمله آشکار و قتل عام، شکست داده شوند.

با این حال، حمایت از اسرائیل به این معنی نیست که صهیونیسم مسیحی، یهودیت را به عنوان یک راه مشروع رسیدن به رستگاری، بعد از مسیحیت به شمار می‌آورد. همچنین به معنای عشق و علاقه حقیقی به یهودیان نیز نمی‌باشد؛ چرا که اگر این گونه بود، آن‌گاه از اصول سنتی کلیسا که به یهودیان به عنوان «قاتلان مسیحی» می‌نگرد، منحرف شده بود. از این رو صهیونیست‌های مسیحی معتقدند که مسیحیت تنها مذهب قابل قبول برای خداوند می‌باشد و همان‌طور که در انجیل آمده است، رستگاری تنها از طریق مسیحیت ممکن می‌باشد، آنها همچنین بر این مطلب تاکید دارند که یهودیان تنها زمانی می‌توانند نجات پیدا کنند که به مسیحیت ایمان آورند. با این حال، از آنجایی که صهیونیست‌های مسیحی و مدافعان سرسخت کشور اسرائیل به شدت ضد عرب و ضد مسلمان هستند، توانسته‌اند رابطه نزدیکی با گروه‌های یهودی راست‌گرا و کشور اسرائیل برقرار کنند و امروز به یک جزء جدایی ناپذیر اتحاد آمریکا - اسرائیل تبدیل شده‌اند.

صهیونیسم مسیحی به دنبال جنگ جهانی می‌باشد. اعتقاداتی از قبیل این که مسیحیت تنها حقیقت است و تمام ادیان دیگر یا «شیطانی» هستند و یا «دروغین»، و اینکه تمامی یهودیان بایستی در فلسطین جمع شوند تا رسالت مشهور کتاب مقدس را انجام دهند؛ و همچنین این اعتقاد که به زودی جنگ جهانی بزرگی رخ خواهد داد که منجر به کشتار صدها میلیون نفر و «ظهور دوم» مسیح می‌شود، به روشنی نشان دهنده طرح‌های جهانی توسعه طلبانه صهیونیسم مسیحی است.

جان هاگی نمونه برجسته یک صهیونیست مسیحی متعصب و بنیان‌گذار و پیشوای روحانی کلیسای کرنستون، در تکزاس آمریکا است که حدود ۱۶۰۰۰ عضو دارد. کلیسای او همانند دیگر مبلغان بنیادگرای مسیحی در آمریکا، هدایای بسیار زیادی دریافت می‌کند و همچنین در رسانه‌ها نفوذ دارد. هاگی رئیس شرکت رسانه‌ای «تبلیغ جهانی مسیحیت» است که برنامه‌های روزانه آن در رادیو و تلویزیون آمریکا و سراسر جهان پخش می‌شود. او نویسنده کتاب‌های متعددی در مورد صهیونیسم مسیحی بوده و برخی از کتاب‌های او توسط ناشران بنیادگرای مسیحی در خارج از کشور نیز چاپ شده است.

یکی از مهم‌ترین نوشته‌های هاگی در مورد صهیونیسم مسیحی، کتاب «آخرین سپیده دم در بیت‌المقدس» می‌باشد که برنامه‌های امپریالیستی موجود در اصل و جوهر صهیونیسم مسیحی را به خوبی و با مثال روشن می‌سازد. هدف کتاب، دفاع از اشغال فلسطین به وسیله اسرائیل و تقبیح کسانی است که به دنبال مخالفت با بی‌رحمی‌های اسرائیل هستند، و همچنین حمایت از هدف «اسرائیل بزرگ» می‌باشد؛ و تمام اینها را با نام مسیحیت و با این فرض که ملت یهود مردم برگزیده خدا می‌باشند، انجام می‌دهد.

همان‌طور که هاگی بارها بیان کرده است، نژاد پرستی مکمل پیام صهیونیسم مسیحی است. هاگی می‌گوید که انجیل، یهودیان را به عنوان مردمک چشم خدا توصیف کرده است. او در مورد یهودیان از انجیل نقل قول می‌کند که «شما مردمی مقدس هستید و شاهزاده و فرمانروای خداوند، و پروردگار شما را برگزیده است تا مردمی برای خودش باشید و گنجینه‌ای خاص، و بالاتر از همه مردمی که روی زمین هستند». آن چنان که هاگی استدلال می‌کند، این بدین معناست که کسانی که به یهودیان و کشور اسرائیل ضرر برسانند و یا بر سر راه طرح اسرائیل بزرگ بایستند، غضب فوری خداوند را تجربه خواهند کرد. هاگی به آنانی که جرات می‌کنند با کشور ستمکار اسرائیل مبارزه کنند، اعلام می‌کند: «فرد و یا ملتی که علیه اسرائیل دست و یا صدایش را بالا ببرد، غضب خداوند را درخواست کرده است.» او تأکید می‌کند که چنین مردمی توسط خداوند لعن و نفرین خواهند شد.

تصور و نظریه‌هاگی در مورد خدا، مثل خدای قبیله‌ای یهود می‌باشد که به عنوان یک ابزار برای رسیدن به توسعه طلبی‌های یهود به کار می‌رود. انجیل به دست یهودیان نوشته شده است، زیرا همان‌طور که بسیاری از مسیحیان آزادی خواه تصدیق کرده‌اند، بسیاری از آن محصول دست بشر است. بسیاری از منظومات انجیل در جهت مشروعیت بخشی به منافع جامعه‌ای است که نویسندگان انجیل آن را ترسیم کرده‌اند. این موضوع برای افراد عادی فهمیده بدیهی به نظر می‌رسد اما طرفداران ترجمه تحت‌اللفظی انجیل مانند هاگی، به شدت با این مطلب مخالفند. برای آنان هر کلمه انجیل، مقدس و خدایی می‌باشد. برنامه‌های امپریالیستی و نژاد پرستانه صهیونیستی مسیحی به ناچار از ترجمه تحت‌اللفظی انجیل استفاده کرده است. هاگی با کمک گرفتن از تعداد زیادی از منظومات انجیل بیان می‌کند که «خداوند از اسرائیل همچون والدینی که بالای سر تنها فرزند خود پر می‌زنند و از او محافظت می‌کنند حفاظت می‌کند.» او به وضوح بیان می‌کند که «کشور اسرائیل به وسیله یک فعل مقتدرانه الهی ایجاد گشته است. تمامی کشورهای دیگر به وسیله اعمال خشونت بار و یا اعلامیه سربازان ایجاد شده‌اند، اما اسرائیل عمداً به وسیله خدا ایجاد شده است، برای اینکه او یک مکان فیزیکی و

میراثی روی زمین داشته باشد.» بنابراین هاگی از ما می‌خواهد که به خدایی ایمان آوریم که محتاج به یک «مکان مادی» برای خود است. غیر یهودیان موجودات درجه دو و یا کمتر می‌باشند و بنابراین اگر دیده شود که بر سر راه استعمار طلبی یهود قرار گرفته‌اند به سادگی از میان برداشته خواهند شد.

این خدای قبیله‌ای یهودی که هاگی ارائه کرده است، نه تنها در روش برخورد با مخلوقات خود بی‌طرف نیست بلکه کاملاً ستمگر و مستبد می‌باشد. به نظر می‌رسد که هاگی با توجه به این موضوع که تصور تحت اللفظی انجیلی از خداوند، یک خدای یهودی می‌باشد، نه خداوند تمام عالم که به تمام مخلوقاتش بی‌طرفانه می‌نگرد، تسلط یهود بر سرزمین دشمنانشان را مقدس شمرده است. بنابراین او با نقل قول از انجیل می‌نویسد که خداوند سرزمین اسرائیل بزرگ را که شامل منطقه‌ای گسترده از کل مصر تا عراق می‌باشد، برای همیشه به یهودیان (اولاد اسحق) داده است. بنابراین مردمی که در آن مناطق زندگی می‌کنند - میلیون‌ها عرب مسلمان و مسیحی - حق زندگی در آنجا را ندارند و یا اینکه باید زندگی تحت فرمانروایی یهودیان را بپذیرند. گرچه او صراحتاً اذعان نمی‌کند که معنی مطلب بالا این است که کسانی که از قبول فرمانروایی یهودیان سرباز زنند، یا کشته می‌شوند و یا بیرون انداخته می‌شوند.

تصور هاگی از خدا، یک دلال بوالهوس است. او می‌نویسد: «خداوند مرزهای جغرافیایی کشور اسرائیل را معین کرده است. هنگامی که پروردگار تورات و انجیل را نازل کرده، مرزهای دقیق اسرائیل در آن آمده است.» او اضافه می‌کند: «نقشه‌بردار الهی، محوطه اصیل کشور یهودی را تعیین کرده است و حکم کرده که هیچ کس نباید این خطوط را تغییر دهد. پیمان املاک و سرزمین‌ها با خون امضا شده است و مدت‌هاست که در خون ایستاده است.» از این رو او استدلال می‌کند: «همان‌طور که خدا فرمان داده است، سرزمین اسرائیل خصوصاً شهر بیت‌المقدس، حق مطلق یهودیان است.» بنابراین او می‌گوید که فلسطینیان حقی در مورد سرزمین تاریخی خود ندارند و باید راه را برای اشغالگران یهودی باز کنند.

دفاع‌هاگی از استعمار طلبی صهیونیستی تا حد مضحکی ادامه می‌یابد. او می‌گوید: «اسرائیل جاسوسی در آسمان دارد که خود خدا می‌باشد. خدا حفاظت خاصی از مردم یهودی و کشور اسرائیل می‌کند. هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند با نیروهای دفاعی حافظ اسرائیل رویارویی کند. وظیفه خاص میکائیل، فرشته مقرب خدا، حفاظت از اسرائیل می‌باشد.» و کسانی که به هر دلیل با اسرائیل مخالفت کنند، از جمله فلسطینیانی که در برابر ظلم و اشغالگری اسرائیل مبارزه می‌کنند، متحمل غضب خداوند خواهند شد: «خداوندگار با چشمانی که به کشور اسرائیل و خصوصاً بیت‌المقدس دوخته شده است، عهده‌دار حفاظت از آن در

تاریک‌ترین شب‌ها می‌باشد.» هاگی مدعی می‌شود که کسانی که با اسرائیل می‌جنگند، (در واقع) با خدا می‌جنگند.

برای خدای قبیله‌گرای هاگی، اسرائیل آن قدر محوریت دارد که او معتقد است که تقدیر هر فردی بر روی کره زمین، اساساً وابسته به نگرش او به یهودیان است: «رونق و شکوفایی و یا کیفر و عقوبت، بستگی به رفتار ما با اسرائیل دارد.» استدلال او نیز این است: «... زیرا یهودیان به عنوان فرزندان ابراهیم از حمایت الهی بهره‌مند هستند.» او برای استحکام بخشیدن و حمایت از اظهاراتش، از انجیل نقل قول می‌کند که هنگامی که خدا با ابراهیم وارد پیمان شد، به او یک «وعده وحشت‌آور» داد و گفت: «من هر کس که تو را ستایش کند، ستایش می‌کنم، و هر کس که تو را لعن کند، او را لعن می‌کنم و تمام خاندان‌های زمین بر اساس تو ستایش خواهند شد.» از این رو هاگی تأکید می‌کند که ایالات متحده و هر کس دیگری که بخواهد خدا را راضی کند، بایستی بدون هیچ تناقضی در «حمایت دلسوزانه از کشور اسرائیل» شریک شود، او اضافه می‌کند: «سریع‌ترین و تاثیرگذارترین راه برای اینکه در کنار و سمت خدا

باشیم، این است که در زمان نیاز کشور اسرائیل و مردم یهودی، همراه آنان باشیم.» او می‌گوید، کسی که این کار را انجام دهد، می‌تواند حمایت خدا را به دست آورد، چراکه «خداوند فرد یا ملتی را که اسرائیل و یا ملت یهود را ستایش کند، می‌ستاید.»

اعتقادات محکم هاگی در حمایت از اسرائیل و استعمار طلبی صهیونیستی، هیچ زمانی قاطع‌تر از امروز نبوده است. او می‌گوید این موضوع به خاطر این است که عیسی به زودی به زمین باز خواهد گشت و اسرائیل باید برای پذیرایی از مسیح حفاظت شود. تصویری که هاگی از عیسی در «ظهور دوم» او ارائه می‌دهد، هیچ شباهتی به نظریه مشهور رنج کشیدن و عشق ورزیدن به عیسی ندارد. بلکه در توصیف او، عیسی همچون یک جنگاور تندخو به نام «فرمانروای صلح» است که مسیحیان را با سلاح تقویت می‌کند و جنگ جهانی نهایی را اعلام می‌نماید. در روز رستاخیزی که هاگی طرح کرده است حملات از سوی اعراب به اسرائیل خصوصا بیت‌المقدس افزایش می‌یابد و او آن را «حملات متعصبانه» می‌نامد. او می‌گوید که مسیحیان جهان در پاسخ به این حملات باید در کنار اسرائیل صف‌آرایی کنند. او تاکید می‌کند که در این زمان «ما بایستی مردم جهان را آگاه سازیم که اگر خطی قرار است کشیده شود، بایستی دور یهودیان و مسیحیان کشیده شود. ما با هم متحد و غیر قابل تقسیم هستیم.»

هاگی معتقد است که شهر بیت‌المقدس مسئله دشوار نبرد نهایی قبل از ظهور دوباره مسیح می‌باشد. این شهر نزد یهودیان، مسلمانان و مسیحیان به یک اندازه مقدس است. از این رو هاگی می‌گوید که خدا فرمان داده است، بیت‌المقدس تا رسیدن دوباره عیسی، تحت کنترل انحصاری ملت یهود باشد. او می‌نویسد که نبرد نهایی میان نیکی و بدی (آرماگدون) که با اعراب و یا مسلمانانی که می‌خواهند تسلط بر این شهر را از دست یهودیان بیرون بیاورند صورت می‌گیرد، در بیت‌المقدس متمرکز می‌شود. هاگی در این خصوص می‌گوید که مسیحیان باید به سهم خود از اسرائیل دفاع کنند و هر درخواست صلحی از قبیل پیشنهاد یک بیت‌المقدس مشترک و یا تسلط مشترک یهودیان و اعراب بر این شهر را رد کنند. خصوصا او از ایالات متحده می‌خواهد که هر کاری که قدرت آن را دارد، در پشتیبانی از اسرائیل انجام دهد و مخالفان آن را نابود کند، او می‌گوید: این تنها راه به دست آوردن لطف خدا می‌باشد. او هشدار می‌دهد که اگر آمریکا نتواند این کار را انجام دهد، خودش توسط خدا نابود خواهد شد.

هاگی با نقل قول از تعدادی از منظومات انجیل، آنچه را مشاهده کرده است، به عنوان آشکار شدن حوادثی در ابعاد جهانی توصیف می‌کند که آغاز جنگی جهانی است که نظیر آن تاکنون مشاهده نشده است و خبر از دومین ظهور عیسی می‌دهد. او می‌گوید، در این جنگ جهانی، مسلمانان، که او آنها را پیروان یک مذهب دروغین می‌داند، با روس‌ها متحد خواهند شد تا علیه اسرائیل بجنگند. این ممکن است به یک جنگ هسته‌ای جهانی با صدها میلیون کشته منجر شود. در این هنگام «ضد مسیح» شکل می‌گیرد و به بیت‌المقدس حمله کرده و مناطقی از جهان را تحت تسلط خود در می‌آورد. و به دروغ مدعی هدایت این مناطق به صلح می‌شود. اما این فریب بزرگ چندان طول نمی‌کشد و در عوض، منجر به جنگ‌های ویرانگر بیشتری می‌شود. هاگی می‌گوید که در این زمان مسیحیان باید با هر وسیله ممکن از یهودیان و اسرائیل دفاع کنند و به دشمنان این نژاد برگزیده خداوند، یهودیان، اعلام جنگ کنند. او تاکید می‌کند، تنها در آن وقت آنان (مسیحیان) می‌توانند نجات پیدا کنند.

هاگی می‌نویسد که پس از سال‌ها جنگ جهانی و ویرانی وحشتناک، عیسی توسط خداوند فرستاده می‌شود تا جهان را نجات دهد. او سوار بر اسبی سفید به میدان نبرد نیکی و بدی می‌رسد. «ضد مسیح» و ارتش آن را شکست می‌دهد و سلطنت جهانی خود را به پایتختی بیت‌المقدس پایه‌گذاری می‌کند و برای همیشه از آنجا سلطنت و حکمرانی می‌کند. توصیفی که هاگی از سلطنت آینده عیسی

ارائه می‌دهد، انگیزه‌های ناچیزی برای حمایت از غیر مسیحیان و حتی از یهودیانی که او به شدت از آنها دفاع می‌کند، ایجاد می‌کند. همان طور که خود او روشن می‌سازد این عینا همان امپراتوری مسیحی می‌باشد و یک امپراتوری برانداخته شده با پادشاهان، ملکه‌ها و صدر اعظم‌هایی که هنوز سر جای خود هستند نیز وجود دارد. اینکه چگونه آنها هنوز در سراسر جهان وجود دارند، در حالی که عیسی بر تمام جهان حکمرانی می‌کند، معمایی است که هاگی آن را پاسخ نداده است.

هاگی می‌نویسد که «بیت‌المقدس، مردمک چشم خدا، تحت فرمانروایی عیسی به محل شادمانی جهان تبدیل می‌شود. این شهر مرکز عبادت جهانی می‌شود و مردم از سراسر جهان به زیارت و عبادت در پرستشگاه عیسی به این شهر مقدس بیایند. احتمالا تمامی اینها خود مسیحی هستند، به این خاطر که هاگی از انجیل نقل قول کرده و پیش‌گویی می‌کند که «هر پادشاهی بایستی به نام عیسی تعظیم کند و هر زبانی باید اعتراف کند که عیسی مسیح فرمانروای پروردگار عظیم می‌باشد.»

همان طور که کتاب هاگی به روشنی بیان می‌کند، صهیونیسم مسیحی ریشه در عقیده رایج جنگ صلیبی دارد و تاریخ طولانی پیروزی کلیسایی، دستورالعملی برای جنگ جانی و استعمارگری مسیحی می‌باشد، علاوه بر این، نشانگر فقدان معنویت اصلی نیز می‌باشد و به دنبال این است که مفهوم خدا را تا اندازه یک زمامدار مستبد، نژادپرست، بوالهوس و کوچک کاهش دهد که این خدا از روی میل خواهان کشتار فجیع مردم بی‌گناه برای حفاظت از طرح‌های توسعه طلبانه مردم برگزیده فرضی می‌باشد. البته صهیونیست مسیحی در استفاده از مذهب برای فرجام‌های سیاسی خشن، منحصر به فرد نیست اما با این اضافات گسترده که توسط حامیان آن افزوده شده است، خصوصا در آمریکا، تهدیدی برای صلح می‌باشد که از آن چیزی که برخی اوقات تصور می‌شود، بسیار خطرناک‌تر است و نمی‌توان آنها را به عنوان یاهو-گویی‌های دیوانه‌هایی که اهمیتی ندارند، به سادگی کنار گذاشت.

**منبع: ماهنامه سیاحت غرب ، شماره ۴۸**

**بنقل از خبرگذاری فارس**

**تنظیم: بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم**

[www.zionism.blog.ir](http://www.zionism.blog.ir)